## حکمت

امام سجاد(ع)
بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۲

مردی خدمت رسول خدا(ص) رسید و گفت: ای رسول خدا، من هیچ کار زشتی نمانده که انجام نداده باشم، آیا می‌توانم توبه کنم؟ رسول خدا(ص) فرمود: آیا هیچ‌یک از پدر و مادرت زنده هستند؟ گفت: بله، پدرم. حضرت فرمود: برو به او نیکی کن (تا آمرزیده شوی). وقتی او راه افتاد پیامبر(ص) فرمود: کاش مادرش زنده بود. (یعنی اگر او زنده بود و به او نیکی می‌کرد، زودتر آمرزیده می‌شد).

یادداشت

چرا ارتقای سطح آگاهی و دانش زنان مهم است؟

# نقش تعیین کننده زنان در تغییر مسیر جامعه



مریم زاهدی
دبیر چاردیواری

در نگاه نخست شاید به نظر برسد هر زنی تنها در به دنیا آوردن و تربیت فرزندان خودش نقش دارد و نقش انسان ساز زنان در محور خانواده است که معنا می‌یابد اما این فقط یکی از ابعاد وجودی زن را آشکار می‌کند.

زنان در کنار نقش‌آفرینی خود در کانون خانواده به‌عنوان همسر و مادر و به‌جز زایش و تربیت فرزندان خود، در نگاهی کلان‌تر در تربیت و ارتقا و اعتلای جامعه نقشی تعیین کننده دارند. مگر نه این‌که جامعه از مجموع انسان‌ها تشکیل شده و هر انسانی در کانون خانواده متولد شده و تربیت یافته است؟

این انسان‌ها وقتی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، جامعه را می‌سازند. پس اخلاق و تربیت خانوادگی افراد به اخلاق و تربیت اجتماعی تسری می‌یابد و جامعه‌ای می‌تواند در مسیر اعتلا قرار بگیرد و به جایگاه‌های متعالی برسد که از اعضایی فرهیخته و تربیت یافته در خانواده‌های سلامت و در دامان مادرانی پاک تشکیل شده باشد. هر چند مرد و زن در کنار یکدیگر وظیفه تربیت در خانواده را به‌عهده دارند اما بی‌هیچ شک و شبهه‌ای نقش مادران در این بین جدی‌تر و پررنگ‌تر است و زنان به‌واسطه لطافت روح و ویژگی‌های مادرانه‌ای که دارند، بهتر از مردان می‌توانند با فرزندان خود ارتباط گرفته و تاثیری عمیق بر شکل‌گیری شخصیت فرزندان خود داشته باشند.

بر این اساس می‌بینیم نقش مادرانه زنان فقط به کانون خانواده منتهی نمی‌شود و سعادت و شقاوت یک جامعه به ویژگی‌های زنان آن جامعه بستگی دارد. پس همان‌گونه که زنان با عنایت به نقش محوری مادری در تربیت و ارتقای کلی جامعه نقشی تعیین کننده دارند، جامعه هم برای ارتقای سطح دانش و سواد زنان و فراهم کردن زمینه‌های مشارکت اجتماعی آنان مسئول است تا در نهایت زنانی آگاه‌تر و فرهیخته تربیت شوند و بتوانند نسلی آگاه، مسئول و متعهد را تربیت کنند و از این رهگذر در کلان جامعه با افرادی مؤثر، دلسوز و کارا مواجه باشیم که کشور را در مسیر رشد و تعالی قرار می‌دهند. در مقابل با تضعیف جایگاه مادری در جامعه، جایگاه تربیت هم ضعیف می‌شود. وقتی جایگاه مادر رو به افول بگذارد ما با انسان‌هایی مواجهیم که از آغوش امن و مؤلفه‌های انسانی و آگاهی نسبت به شخصیت خودشان برخوردار نیستند و این مسأله در کلان، جامعه‌ای سست و رو به افول را موجب خواهد شد.

# زندگی مطلوب

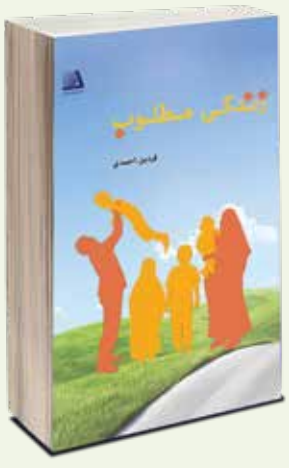
حسین احمدی
چاردیواری

یکی از خصلت‌های خوب و تاثیرگذار در حفظ سلامت شخصیتی و معنوی انسان‌ها، همدلی، همفکری، مشورت و بیم و امیدهایی است که از سوی دیگران دریافت می‌شود و اراده ما را برای رویارویی حکیمانه و محکم با دشواری‌ها و سختی‌ها قوی می‌کند.

«زندگی مطلوب» کتابی به قلم فردین احمدی، در تلاش است راه و رسم زندگی را به مخاطبان خود بیاموزد و در مسیر خوشبختی قرار دهد. همان‌گونه که گاهی نیاز داریم به دیگران کمک فکری بدهیم تا بهتر بفهمند و روشن‌تر بشناسند، گاهی هم لازم است دل به دل آنها بدهیم تا بهتر بایستند و قوی‌تر عمل کنند. قرآن کریم از این خصیصه بسیار مهم با تعبیر (و تواصوا بالصبر) نام می‌برد؛ یعنی مؤمنان در جامعه ایمانی به شیوه‌های گوناگون، یکدیگر را در صبر ورزی و شکیبایی یاری می‌کنند. توصیه به صبر گاهی با سخن و گاهی با یاری فکری یا عملی و حتی کمک‌های مادی مثل انفاق، صدقه و مانند آن در جامعه انجام می‌شود.

در جامعه آرمانی اسلام، همواره به صبر در میان مؤمنان توصیه می‌شود و مؤمنان حقیقی پیش از آن که با سخن و موعظه چنین به صبر کردن توصیه کنند، می‌کوشند با عمل و رفتار خودشان به صبر دعوت کنند. به عنوان مثال شاید برای توصیه به صبر یک جوان لازم باشد مؤمنان شرایط یک ازدواج سالم را برایش مهیا کنند تا به گناه آلوده نشود.

حکومت اسلامی، نهادها و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، هرکدام وظایفی متناسب جایگاه خود برای مهیا کردن زمینه‌های توصیه به حق و صبر دارند. به نظر می‌رسد گستره ایجاد بسترهای فرهنگی توصیه به حق و صبر بسیار فراخ‌تر از چیزی است که تصورش را می‌کنیم. از جلسه‌های موعظه، حلقه‌های علمی و معرفتی، خلق آثار هنری همچون فیلمنامه، فیلم سینمایی و تلویزیونی و مانند آن گرفته تا فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم برای حداقل یک زندگی آبرومند و کم تنش، مواردی است که برای این توصیه به صبر ضرورت دارد.



به هر حال انسان موجودی نیازمند است و برخی از نیازهایش چنان قدرتمند است که نوع بشر در برابر تمایلات برخاسته از احساس آن نیازها، ضعیف و ناتوان ظاهر می‌شود. جامعه آرمانی دینی، وظیفه دارد برای اعضایش زمینه‌هایی را فراهم کند که این نیازها در حد معمول و معقول ارضا شده و فرد بتواند با آرامش بیشتر با تمایلات هوس‌بازانه و زیاده‌طلبی‌های نفس مبارزه کرده و صبوری ورزد. به همین دلیل است که پیامبر صلی‌ا... علیه و آله می‌فرمایند: «هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را کامل کرده است و در نیم دیگر تقوا بورزد. این سخن به خوبی نشان می‌دهد مقصود از تواصی به صبر صرفا موعظه زبانی و دعوت گفتاری به خویشتنداری نیست، بلکه فراهم آوردن یک سبک زندگی است که فرد بتواند به صورتی زیبا و مطلوب صبوری ورزد.»

در بخشی از کتاب زندگی مطلوب می‌خوانیم:

اگر چیزها به حال خود رها بشوند و به همان صورت باقی بمانند، گرد و غبار می‌گیرند، آلوده و کثیف می‌شوند، بوی بد می‌گیرند و فضا از بوی تعفن آنها پر می‌شود! پس چرا در مورد درون، روان و جان خودتان چنین اقدامی انجام نمی‌دهید؟ وقتی گنجایش ذهنی و احساسی شما پر می‌شود، با بروز یک اتفاق سر می‌رود حتی اگر به اصطلاح در این سطل آشغال ذهنی و احساسی را محکم بسته باشید. بعلاوه با وجود بسته بودن در این سطل آشغال ذهنی و احساسی، بوی آشغال به مشام می‌رسد و شما را آزار می‌دهد و نمی‌گذارد شما آزاد زندگی کنید. لطفی در حق خود و همسر و زندگی‌تان بکنید و آن این که درون خود را از زباله‌های گوناگون، تخلیه کنید! کارهای ناتمام گذشته خود را تکمیل و هر شب، قبل از رفتن به بستر، ظرف زباله‌های ذهنی و احساسی خود را خالی کنید تا بتوانید شب را خوب بخوابید و بتوانید فردا صبح، راحت‌تر نفس بکشید. تا بتوانید آزاد زندگی کنید، تا بتوانید فراغ خاطر داشته باشید و دردهای جدید زندگی را بهتر تحمل کنید!

تبیین جایگاه خانه‌داری از منظر اسلام و رهبری

# خانه‌داری خانه‌نشینی نیست

آزاده مطهری
چاردیواری

بحث خانه‌داری زنان و زنان خانه‌دار یکی از موضوعات مناقشه برانگیزی است که همیشه برسر آن بحث وجود داشته‌است. تصور اغلب ما از یک زن موفق، زنی است که تحصیلات عالیه داشته و از شغل و جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار باشد. هیچ‌گاه یک زن خانه‌دار برای بسیاری از افراد جامعه ما به عنوان الگویی از یک زن موفق و زن تراز محسوب نمی‌شود. اما آیا واقعا موفقیت و الگو بودن یک زن مساوی است با تحصیلات عالیه، شغلی و جایگاه اجتماعی بالا؟ و آیا یک زن خانه‌دار نمی‌تواند زنی فعال و موثر باشد و خانه‌داری مترادف با انفعال و گوشه‌نشینی است؟

برای پاسخ به چنین سوالی کافی است به سخنان اخیر رهبر معظم انقلاب در دیدار بانوان نگاهی بیندازیم تا متوجه شویم خانه‌داری لزوما به معنای خانه‌نشینی و انزوا نیست و زنان خانه‌دار می‌توانند حتی فراتر از حد تصور ما موثر بوده و در جامعه نقش داشته‌باشند. رهبر فرزانه انقلاب در عین حال که تاکید دارند، اصلی‌ترین نقش یک زن از نظر اسلام همین نقش خانه‌داری است، خانه‌داری را به معنای خانه‌نشینی نمی‌دانند و تاکید می‌کنند: «بعضی اینها را با هم اشتباه می‌کنند؛ وقتی می‌گوییم خانه‌داری، خیال می‌کنند می‌گوییم داخل خانه بنشینید، هیچ کار نکنید، هیچ وظیفه‌ای انجام ندهید، تدریس نکنید، مجاهدت نکنید، کار اجتماعی نکنید، فعالیت‌های سیاسی نکنید؛ معنای خانه‌داری این نیست.»

از نگاه ایشان خانه‌داری یعنی خانه را داشته‌باشید؛ در کنار داشتن خانه، هر کار دیگری که از عهده شما برمی‌آید و میل به آن و شوق به آن را دارید، می‌توانید انجام بدهید؛ منتها همه در ذیل خانه‌داری است.

بر این اساس اگر نگاهی به سیر و سلوک زنان بزرگی همچون مادران و همسران شهدا بیندازیم، می‌بینیم بسیاری از اینها زنانی خانه‌دار بوده‌اند که در کنار خانه‌داری و فراهم آوردن فضای امنیت و آرامش برای همسر و فرزندان، فعالیت‌های اجتماعی خود را هم داشته‌اند و در پشت جبهه و خدمات اجتماعی گوناگون در قالب ساماندهی خیریه‌های محلی و کمک به اقشار نیازمند و همچنین فعالیت‌های آموزشی و عام‌المنفعه فعال بوده‌اند بدون آن‌که شغل و جایگاه اجتماعی خاصی داشته‌باشند. در نهایت هم توانسته‌اند فرزندانی را تربیت کنند و به جامعه تحویل دهند که هرکدام‌شان قهرمانان بی بدیل حماسه‌ای به بزرگی هشت سال دفاع‌مقدس یا مدافعان حرم بوده‌اند.